

## مناقشه قره‌باغ و استراتژی‌های ایران و ترکیه

حمید درج<sup>۱</sup>

### چکیده

جمهوری آذربایجان پس از کسب استقلال با بحران ناشی از اشغال اراضی از جانب ارمنستان مواجه شد. مناقشه قره‌باغ بعدها به دلیل دخالت برخی قدرت‌های خارجی به یک بحران منطقه‌ای تبدیل شد. در این میان، تصور می‌شود که حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان تلاشی برای گسترش حوزه نفوذ خود هم از طریق حمایت از مواضع باکو در مناقشه قره‌باغ و هم از طریق به حاشیه راندن نفوذ ایران و روسیه در منطقه است. ایران نیز نگران از سرریز شدن ناامنی‌ها به درون مرزهای شمال غربی خود، خواهان توقف این درگیری است و ضمن مخالفت با مداخله خارجی در این بحران، بر حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماسی تأکید دارد. سؤال اصلی پژوهش این است که ایران و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ چه راهبردی را دنبال می‌کنند؟ فرضیه پژوهش این است که ترکیه تحت توسعه سیاست ترک-گرایی و اوراسیاگرایی خود با هدف تأمین اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود، اوضاع در قره‌باغ کوهستانی را به نفع باکو تغییر داده است که این امر ضمن تغییر معادلات به ضرر ایران و تأثیر بر امنیت ملی آن، در درازمدت مطلوب ترکیه خواهد بود. از سویی، ایران ضمن به رسمت شناختن حق حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ، با هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی در مرزهای شمالی خود مخالفت می‌ورزد و در این راستا، در تلاش است تا از شکل‌گیری نظم و موازنه قدرت منطقه‌ای به ضرر تهران و هم‌پیمانان آن در قفقاز مبادرت ورزد. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از روش تحلیل مقایسه‌ای از نوع کیفی استفاده شده است.

### ▪ واژگان کلیدی:

ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان، قره‌باغ، واقع‌گرایی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره‌ی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان. جمهوری اسلامی ایران. hamid.dorj@gmail.com

## مقدمه

منطقه قره‌باغ به لحاظ استراتژیکی و اقتصادی از اهمیت فراوانی برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است و افزون بر نزدیک بودن به دریای خزر و منابع غنی نفتی، در مسیر ارتباطی بین اروپا و آسیای میانه واقع شده است. با تغییرات ژئوپلیتیکی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، بحران قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان تشدید شد. به‌رغم توافق‌نامه آتش‌بس ۱۹۹۴ میلادی، نمی‌توان از این بحران تحت عنوان مناقشه فرسایشی و خاموش یاد کرد؛ زیرا عملیات جنگی و آتش‌باری مواضع طرفین در امتداد خطوط تماس و حتی مرزهای ملی دو کشور ادامه دارد. این بحران باعث حضور بازیگران خارجی در قفقاز جنوبی با هدف شکل دادن به معادلات قدرت به نفع خود و کسب اهداف و منافع منطقه‌ای شده است.

قفقاز جنوبی جایگاه مهمی نیز در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد. این امر به دلیل عوامل مختلفی است. نخست این‌که، قفقاز در همسایگی ایران و بخش شرقی آن در ساحل دریای خزر قرار گرفته است که برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت راهبردی دارد. دوم، قفقاز از نظر مسیر انتقال و منابع انرژی اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک دارد که این موضوع توجه قدرت‌های بزرگ و همسایگان را به خود جلب کرده است. سوم، ایران با کشورهای منطقه قفقاز تاریخ و فرهنگ مشترک دارد. کشورهایی که روزی بخشی از ایران بوده‌اند. چهارم، قفقاز جنوبی مسیر انتقال انرژی ایران به اروپا است. از همین‌رو، تهران به تحولات و چالش‌های امنیتی در قفقاز در راهبردهای سیاست خارجی خود توجه خاصی می‌نماید. مناقشه قره‌باغ که از سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی شوروی به‌عنوان یک معضل اساسی بین دو کشور تازه استقلال‌یافته جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان پدید آمده است؛ ضمن ایجاد بحران ژئوپلیتیکی منطقه، می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر معادلات منطقه‌ای داشته باشد که این امر خود سبب ورود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی جهت شکل دادن به نظم منطقه‌ای مطلوب در راستای اهداف و منافع خود در این منطقه شده است.

در این میان، نقش‌آفرینی ایران و ترکیه در این بحران به‌عنوان دو قدرت مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به نظر می‌رسد؛ رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه قره‌باغ، از ابتدا بر حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این مناقشه استوار بوده است. ایران با توجه به همسایگی با طرفین درگیر این مناقشه و مورد تهدید واقع شدن مرزها و امنیت خود، مایل به ادامه این مناقشه نمی‌باشد. تهران همواره تلاش کرده است تا با ایفای

نقش میانجی‌گری در مناقشه قره‌باغ، از گسترش ناامنی‌ها در منطقه جلوگیری کرده و ضمن داشتن روابط مبتنی بر حسن هم‌جواری با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مانع از مداخلات غیرمسئولانه بازیگران خارجی در تحولات قره‌باغ شود. نگرانی امنیتی جمهوری اسلامی این است که منازعه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی با مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گسترش یابد و از این طریق، تنش‌ها و ناامنی‌ها به درون مرزهای شمالی آن تسری پیدا کند و به تهییج احساسات ملی‌گرایانه و تحرکات جدایی-طلبانه در مناطق آذری‌تبار در شمال غربی ایران منجر شود.

از سویی، ترکیه بازیگری استراتژیک است که به نقش‌آفرینی در مناقشه قره‌باغ برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود مبادرت می‌ورزد. ترکیه با هدف ارتقای جایگاه و قدرت منطقه‌ای خود در قفقاز جنوبی و شکل دادن توازن قدرت به نفع باکو و تأمین منافع و سیاست‌های منطقه‌ای خود، در مناقشه قره‌باغ اقدام به حمایت و پشتیبانی از جمهوری آذربایجان کرده است. این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با توسعه روابط با ترک‌تباران آسیای مرکزی و قفقاز، فرصتی برای کسب قدرت و نفوذ منطقه‌ای دید و در این راستا، سیاست ترک‌گرایی و اوراسیاگرایی خود را در منطقه تقویت می‌کند. از این‌رو، این کشور اتحاد استراتژیک با جمهوری آذربایجان را سنگ بنای چنین استراتژی می‌داند و در این رابطه به توسعه مناسبات و همکاری‌های همه‌جانبه با باکو مبادرت می‌ورزد. ترکیه، قفقاز جنوبی را سکوی پرتابی برای جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود به سمت شرق می‌بیند. این کشور قصد دارد با برجسته‌سازی گفتمانی از مدل اوراسیایی پان‌ترکیسم، به یک قدرت منطقه‌ای بانفوذ در قفقاز تبدیل شود. لذا آنکارا، نیازمند حرکت از شرایط بالقوه سیاسی-نظامی به بالفعل و تبدیل شدن به بازیگری فعال در مناقشه قره‌باغ می‌باشد.

در طول جنگ قره‌باغ، ترکیه به‌صورت دیپلماتیک از جمهوری آذربایجان در سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل حمایت کرده است و در حل بحران قره‌باغ کوهستانی به نفع جمهوری آذربایجان کمک زیادی نموده است. تصور می‌شود که پیوستگی قومی و زبانی با جمهوری آذربایجان، ممانعت از توسعه نفوذ روزافزون ایران و روسیه در منطقه و مشارکت در تولید نفت و گاز جمهوری آذربایجان و انتقال آن از طریق خاک ترکیه به اروپا از جمله دلایل حمایت آنکارا از جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان است. از آنجاکه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» همواره در درون خود، واهمه عملیات نظامی و از سرگیری درگیری‌های مسلحانه را زنده نگه می‌دارد؛ استمرار چنین شرایطی درجه ناامنی را در منطقه بالا می‌برد و

همان‌گونه که در ادامه اشاره خواهد شد؛ به علت وجود خیل عظیم جمعیت آذری‌زبان و اقلیت ارمنی در ایران و از سویی، نزدیک شدن ایالات متحده، ناتو و رژیم صهیونیستی به مرزهای شمال غربی ایران، این مناقشه تهدیدی جدی و آشکار برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود که می‌تواند اثرات مخربی بر امنیت مرزهای شمال ایران داشته باشد. از این‌رو، بررسی سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه نسبت به مناقشه قره‌باغ از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش این است که ایران و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ چه راهبردی را دنبال می‌کنند؟ جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است. این پژوهش نیز بر اساس نظریه واقع‌گرایی شکل گرفته است.

اما ضرورت نگارش این تحقیق به‌واسطه تأثیرات امنیتی این مناقشه بر امنیت همسایگان از جمله ایران است که این امر می‌تواند منجر به تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه و سرریز شدن ناامنی به مرزهای شمال غربی ایران و در نهایت فروپاشی مرزهای شمالی این کشور شود.

**ادبیات و پیشینه پژوهش:** پیرامون سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ، تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ادامه صرفاً به چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

کاکایی و دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با نام «سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ»؛ بر این باور هستند که ترکیه با ورود غیرمستقیم به مناقشه قره‌باغ به دنبال گسترش نفوذ و افزایش قدرت نسبی خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است.

رجبی و رجبی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تهدیدات مناقشه قره‌باغ بر امنیت مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»؛ بیان می‌دارند که حضور تروریست‌های سوری در مرزهای شمال غرب ایران، حضور اطلاعاتی، امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی در جدار مرزی شمال غرب ایران، عدم احترام به مرزهای بین‌المللی و تشدید حرکت‌های تجزیه-طلبانه از جمله مهم‌ترین تهدیدات امنیتی مناقشه قره‌باغ برای ایران محسوب می‌شود.

عباس‌زاده فتح‌آبادی و دیگران (۱۴۰۰)، «تحلیل سازه‌نگارانه چرخش در سیاست خارجی ایران در برابر بحران قره‌باغ (۲۰۲۰)»؛ استدلال می‌کند؛ سیاست خارجی ایران در تأثیر عواملی همچون ایدئولوژی اسلامی شیعی، حمایت‌های داخلی آذری‌های ایران از جمهوری آذربایجان در برابر بحران قره‌باغ، کاهش سیاست‌های قومیتی و پان‌آذری جمهوری آذربایجان و

گرایش‌های واقع‌گرایانه و شرق‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و همچنین سیاست غرب‌گرایانه دولت ارمنستان، دچار تغییر شده است.

وطن‌خواه و نوازی (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با نام «رویکرد ترکیه به بحران قره‌باغ کوهستانی (۲۰۰۳-۲۰۲۰)»؛ بیان می‌دارند که ترکیه که با پیروی از دکترین «عمق استراتژیک»، تحت تأثیر سیاست تنش‌زدایی با همسایگان و نئوعثمانی‌گرایی، مسیر دفاع از سیاست‌های غرب در جهت نفوذ بر منطقه قفقاز جنوبی و قره‌باغ را در راستای تأمین منافع ملی خود در پیش گرفته است.

هانجینگ<sup>۱</sup> (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با نام «تنش‌های اخیر ایران و جمهوری آذربایجان: مظاهر، علل و تحولات»؛ بیان می‌دارد که روابط ایران و جمهوری آذربایجان از اواسط اوت ۲۰۲۱ پرتنش بوده است. با این حال، هیچ‌یک از دو کشور حاضر به ادامه تشدید تنش‌ها نیستند. روابط دوجانبه در درازمدت، همچنان ویژگی‌های فراز و نشیب را حفظ خواهد کرد؛ اما جمهوری آذربایجان در بیشتر موارد نسبت به قبل از مناقشه دوم قره‌باغ، مسئول تنش بین دو کشور خواهد بود. نوآوری و تازگی مقاله حاضر در این است که اگرچه تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات زیادی در خصوص سیاست‌ها و اقدامات ایران و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ انجام پذیرفته است؛ اما عمده این تحقیقات و پژوهش‌ها، با تکیه بر رویکرد قدرت نرم این دو کشور در منطقه قره‌باغ صورت پذیرفته است؛ این در حالی است که این مقاله عمدتاً با رویکردی واقع‌بینانه و مبتنی بر منافع عینی ایران و ترکیه در بحران قره‌باغ کوهستانی و با تأکید بر مناقشه ۲۰۲۰ قره‌باغ و حمایت آشکار تهران از حاکمیت رسمی جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ به رشته تحریر درآمده است که این موضوع می‌تواند جنبه نوآورانه این نوشتار را نسبت به پژوهش‌های قبلی برجسته نماید.

**چارچوب نظری:** واقع‌گرایی، رویکرد مسلط در رشته روابط بین‌الملل و مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل بوده است. قدرت مفهوم اصلی در تفکر واقع‌گرایی و نیروی محرکه نظام بین‌المللی و هدف اصلی رفتار دولت‌هاست. هر دو نوع واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی، موافقاند که آنارشی بین‌المللی به این معنی است که دولت‌ها باید برای بقاء به خود متکی باشند و تلاش‌های آن‌ها برای تأمین امنیت خود، همواره باعث می‌شود که امنیت اطراف آن‌ها کمتر و منجر به یک معضل امنیتی شود. در جهان واقع‌گرایی تهاجمی، حکومت‌هایی که دنبال امنیت هستند؛ در معرض اقداماتی قرار دارند که می‌توانند منجر به

---

<sup>۱</sup>. Hanjing

درگیری با دیگران شود و معمولاً این کار را انجام می‌دهند. در جهان واقع‌گرای تدافعی، حکومت‌هایی که به دنبال امنیت هستند، تنها به تهدیدات خارجی که نادر هستند، واکنش نشان می‌دهند (Johnson And Thayer, 2016: 6).

واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد تا قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند و آن‌ها می‌کوشند با حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. از دید واقع‌گرایان تهاجمی، آنارشی بین‌المللی حائز اهمیت زیادی است. لذا تلاش دولت‌ها برای کسب امنیت ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است؛ نتیجه این چنین بازی، تضاد و کشمکش است. مرشایمر<sup>۱</sup> تأکید دارد که قدرت‌های بزرگ بازیگران عقلایی هستند. آن‌ها نسبت به محیط خارجی خود آگاه‌اند و برای بقای خود در این محیط رفتار استراتژیک مناسب را انتخاب می‌کنند. قدرت‌های بزرگ به اولویت‌های دیگر دولت‌ها و این‌که رفتارشان چه تأثیری بر رفتار دولت‌های دیگر دارد و رفتار دولت‌های دیگر چه تأثیری بر استراتژی آن‌ها برای بقاء دارد، توجه می‌نمایند. علاوه بر این، دولت‌ها نه تنها به عواقب کوتاه‌مدت و فوری؛ بلکه به پیامدهای بلندمدت اعمال خود نیز توجه دارند (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۰).

فرید زکریا همچون مرشایمر بیشینه‌سازی قدرت از سوی دولت‌ها را یک اصل فرض می‌کند و تأکید دارد که تجربه تاریخی نشان می‌دهد؛ دولت‌ها در وضعیتی که به شکل فزاینده ثروتمند می‌شوند، به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند و خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۰۳). واقع‌گرایان تهاجمی بر این نظرند که دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آن‌ها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی را با هدف بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ خود دنبال خواهند کرد. بنابراین هر اندازه که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، این دولت به سیاست‌های خارجی تجاوزگرایانه و توسعه‌طلبانه‌تری روی می‌آورد. دولت‌ها به چگونگی توزیع قدرت میان خودشان توجه ویژه‌ای دارند. بنابراین آن‌ها تلاش ویژه‌ای را برای به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی به کار می‌بندند؛ به‌ویژه آن‌ها به دنبال این هستند که موازنه قدرت را با کسب و افزایش قدرت، تغییر دهند. دولت‌ها از ابزارهای متفاوتی مانند؛ ابزارهای اقتصادی، دیپلماسی و نظامی‌گری برای تغییر موازنه قوا در راستای

<sup>۱</sup>. Mersheimer

منافع خود استفاده می‌کنند؛ زیرا بهره‌گیری یک دولت از قدرت با تضعیف دولت دیگر همراه است. قدرت‌های بزرگ تمایل دارند در مواجهه با یکدیگر، قانون بازی با حاصل جمع صفر حاکم باشد. حتی اگر یک قدرت بزرگ نسبت به رقبای خود به برتری نظامی دست یابد، همچنان تلاش برای افزایش قدرت خود را ادامه خواهد داد. از این‌رو، تداوم و تعقیب قدرت تنها زمانی متوقف می‌شود که هژمونی تحقق یابد (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۴۰-۴۳۹).

بر این اساس می‌توان گفت؛ ترکیه با ورود مستقیم به مناقشه قره‌باغ به دنبال گسترش نفوذ و افزایش قدرت نسبی خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. این کشور با توسعه روابط و همکاری‌های همه‌جانبه با جمهوری آذربایجان، در صدد است تا معادلات قدرت را به نفع باکو در قفقاز جنوبی شکل دهد که این امر ضمن تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به توسعه نفوذ منطقه‌ای آنکارا و تأمین و تضمین منافع آن در منطقه کمک کند. از سویی، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که دارای مرز مشترک با هر دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان است؛ برای جلوگیری از سرایت ناامنی‌ها به درون مرزهای شمالی خود، خواهان حل‌وفصل فوری منازعه قره‌باغ و مخالف هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در این منطقه است. تهران با هدف جلوگیری از تهییج احساسات ملی‌گرایانه در مناطق آذری‌تبار خود، از مدت‌ها پیش حق حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی را به رسمیت شناخته است و سیاست بی‌طرفی سنتی خود را کنار گذاشته است.

### ۱. چگونگی شکل‌گیری بحران قره‌باغ

قره‌باغ کوهستانی تا سال ۱۸۱۳ میلادی، جزء کشور ایران بود؛ ولی در جنگ‌های ایران و روسیه، طی قراردادهای گلستان و ترکمانچای به روسیه تزاری ملحق شد. در دوران حیات حکومت اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱-۱۹۲۲)، قره‌باغ به‌عنوان منطقه‌ای خودمختار در درون جمهوری سوسیالیستی جمهوری آذربایجان شوروی از سرزمین‌های اتحاد جماهیر شوروی بود. در این دوران نزاع جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ از حد اعتراضات گاه‌وبیگاه طرفین فراتر نرفت و این به خاطر اقتدار آه‌نین مسکو در آن دوران بود. با وجود این، در سال ۱۹۹۰ و در آستانه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، شورای ولایت خودمختار قره‌باغ، مصوبه‌ای را در مورد جدا شدن این منطقه از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به ارمنستان صادر کرد. در واکنش به این اقدام، پارلمان جمهوری آذربایجان، خودمختاری قره‌باغ را لغو کرد و اداره آن را به دولت مرکزی جمهوری آذربایجان واگذار کرد

(تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۴-۵). هم‌اکنون باکو در صدد حفظ تمامیت ارضی خود و همچنین حفظ حاکمیت بر منطقه قره‌باغ کوهستانی است که در سپتامبر ۲۰۲۰ در جنگ با ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان ضمیمه شد. آرزوی دستیابی به ارمنستان بزرگ، شکل‌گیری یک شبکه قوی از مهاجران ارمنی در کشورهای دیگر (دیاسپورا) و قدرت یافتن این گروه در کشورهای غربی و روسیه و در نهایت بروز وجوه رادیکالی سنتی و چپ‌گرایانه در میان نخبگان ارمنی و تشکیل احزاب افراطی مانند؛ داشناکسیون<sup>۱</sup>، باعث شکل‌گیری یک نیروی عظیم روانی- اجتماعی برای اشغال قره‌باغ در فاصله مابین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ گردید. پشتیبانی روسیه و جنگ حاکمیت در باکو از دیگر عواملی بودند که به اشغال ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان توسط نیروهای ارمنی و آواره شدن یک میلیون جمهوری آذربایجانی منجر شدند. در این جنگ نیروهای ارمنی موفق شدند علاوه بر منطقه قره‌باغ کوهستانی، هفت منطقه دیگر جمهوری آذربایجان را نیز که در اطراف منطقه قره‌باغ کوهستانی قرار داشتند به اشغال نظامی خود درآورند (خیری، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۱۰۳).

پس از پایان جنگ در سال ۱۹۹۴ میلادی، ارمنستان با مساعدت قره‌باغ توانست این منطقه را از جمهوری آذربایجان جدا کرده و دولت غیررسمی قره‌باغ را تشکیل دهد؛ اما این منطقه همچنان از دستیابی به شناسایی بین‌المللی ناکام ماند (Caspersen, 2012: 26) و آتش‌بسی که در ماه می ۱۹۹۴ برقرار شد نیز در عمل رعایت نشد و به همین دلیل مناقشه قره‌باغ، مناقشه‌ای خاموش خوانده نشد. درگیری‌های سال ۲۰۱۴، در واقع پایانی بر ثبات نسبی موجود در منطقه قره‌باغ بود که نزدیک به دو دهه و از سال ۱۹۹۴ بر منطقه حاکم بوده است. در سال‌های اخیر تعداد موارد نقض آتش‌بس در خطوط تماس افزایش یافت و جنگ چهار روزه آوریل ۲۰۱۶ که تلفات آن بیش از ۳۰۰ نفر برآورد شده است؛ اوج شکنندگی صلح در منطقه را به نمایش گذاشت (Council Foreign Relation, 2018: 5).

در طی سی سال گذشته، به‌رغم دیدگاه جامعه جهانی، حقوق بین‌المللی و اقدامات میانجی‌گرانه، ارمنستان همچنان بر تداوم اشغال‌گری قره‌باغ اصرار ورزید و حتی پس از صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر خروج نیروهای ارمنی از خاک جمهوری آذربایجان، ایروان این کار را انجام نداد. از طرفی، جمهوری آذربایجان با چرخش در سیاست خارجی خود و برقراری روابط راهبردی با غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی و با توسل به افزایش شدید درآمدهای نفتی و شکوفایی اقتصاد خود در سال‌های اخیر، ضمن

<sup>۱</sup>. Dashnaksion



مدنظر قرار دادن ضعف‌های تاکتیکی و تسلیحاتی گذشته، با خریدهای گسترده نظامی و تجهیز به فناوری‌ها و ادوات پیشرفته نظامی به‌ویژه در حوزه پهپادهای بدون سرنشین و ... با کمک و حمایت‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و مستشاری ترکیه و رژیم صهیونیستی، آمادگی لازم را برای رویارویی جدی با ارمنستان کسب کرد و توانست به‌طور جدی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ وارد نبرد با ارمنستان شود. این جنگ ۴۴ روز طول کشید که در نتیجه آن جمهوری آذربایجان توانست ضمن عقب راندن و شکست میدانی ارمنستان در تمامی جبهه‌ها، بخش‌های اصلی نواحی اشغالی تحت کنترل این کشور را آزاد کند. در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، توافق‌نامه آتش‌بس سه‌جانبه بین جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه در نشستی در مسکو منعقد شد. بر اساس این توافق، طرف‌های جمهوری آذربایجان و ارمنستانی مواضع خود را حفظ کرده و نیروهای ارمنستانی بخش‌های معینی را به جمهوری آذربایجان بر می‌گردانند. پس‌از آن، چندین دور مذاکره بین نمایندگان قره‌باغ و باکو انجام شد که به ادغام منطقه قره‌باغ در جمهوری آذربایجان منجر شد و بر اساس آن، قره‌باغ پایان موجودیت خود را در ۱ ژانویه ۲۰۲۴ اعلام کرد. با توافق مقامات باکو و ایروان، در سه سال آینده برنامه ساخت مسیر جدید در امتداد لاپچین اجراء می‌شود که موجب ارتباط قره‌باغ و ارمنستان می‌گردد و نیروهای حافظ صلح روسیه برای محافظت از این مسیر مستقر خواهند شد (نجفی‌سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۵۰۹).

نقشه شماره ۱: وضعیت جغرافیایی قره‌باغ بعد از توافق‌نامه ۲۰۲۰



(انجمن ژئوپلیتیک ایران قابل دریافت از: <https://iag.ir/author/srabiee/>)

به دنبال نقض آتش‌بس در خطوط تماس قره‌باغ و ایجاد ایست بازرسی در کریدور لاجین از سوی جمهوری آذربایجان تنش‌ها بین باکو و ایروان از ۲۳ آوریل ۲۰۲۳ افزایش یافت. انسداد کریدور لاجین به مدت ۹ ماه از سوی جمهوری آذربایجان از نظر ارمنستان ناقض توافق آتش‌بس سال ۲۰۲۰ است (Poghosyan, 2023: 2). نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، در ۱ خرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده است؛ در صورتی که مقامات باکو حقوق و امنیت ارامنه در قره‌باغ کوهستانی را تضمین کنند؛ ارمنستان آماده است تا منطقه قره‌باغ را به‌عنوان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان به رسمیت بشناسد. هم‌اکنون ارمنستان و جمهوری آذربایجان در حال انجام مذاکرات فشرده برای دستیابی به توافقنامه صلح هستند (Dovich, 2023: 2). به نظر می‌رسد؛ وضعیت این بحران عمده‌تاً در شرایط «نه جنگ و نه صلح» بوده و نمی‌توان آینده‌ای روشن از صلح و ثبات پایدار را در منطقه قره‌باغ شاهد بود و همچنان وضعیتی شکننده و ناپایدار در این منطقه حاکم است که این مسئله می‌تواند تهدیدی برای امنیت کشورهای منطقه باشد.

## ۲. سیاست خارجی ایران در قبال مناقشه قره‌باغ

موقعیت جمهوری اسلامی ایران در مناقشه قره‌باغ کوهستانی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌طور جدایی‌ناپذیری با روابط این کشور با ارمنستان و جمهوری آذربایجان مرتبط بوده است. در دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی، سیاست‌های ایران در منطقه قفقاز جنوبی به دنبال غلبه بر محدودیت‌های سلطه شوروی با امید به برقراری روابط با دولت‌های منطقه بود؛ اما وضعیت برای ایران کاملاً نامطلوب نبود. ثبات در امتداد مرزهای شمالی ایران تحت حاکمیت شوروی، تلاش‌های تهران را به چالش‌های مهم‌تر در امتداد محیط شرقی، جنوبی و جنوب غربی معطوف کرد. انحلال اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشورهای مستقل در قفقاز جنوبی، فرصت مناسبی را برای ایران در منطقه ایجاد کرد.

تهران همچنین در ابتدا در مورد به رسمیت شناختن استقلال کشورهای تازه تأسیس نامطمئن و دودل بود؛ اما سرانجام ایران استقلال ارمنستان و جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت. ایران قبل از به رسمیت شناختن رسمی دو کشور، از طریق بازدیدهای مقدماتی با رهبران جدید جمهوری آذربایجان و ارمنستان تماس مستقیم برقرار کرده بود. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۹۰، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، برای آغاز مذاکرات دوجانبه از باکو بازدید کرد (Yavuz And Gunter, 2022: 381).

در آن زمان وقوع درگیری‌های خشونت‌آمیز سرزمینی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ، انتخاب‌های سیاسی ایران را به چالش کشید. اگرچه ایران در ابتدا ترجیح داد در این درگیری شرکت نکند؛ اما مقامات تهران در نهایت تصمیم گرفتند بر این درگیری تمرکز کنند؛ زیرا این درگیری شامل دو همسایه شمالی مهم و تأثیرگذار بود. پیوندهای قومیتی و فامیلی آذربایجانی‌های ایران و مردم جمهوری آذربایجان در کنار اذعان به روابط جمهوری آذربایجان با ترکیه و رژیم صهیونیستی در سیاست‌های ایران در رابطه با مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان نقش مهمی داشته است. ایران به دنبال جلوگیری از هرگونه گسترش مناقشه در سرزمین‌های همسایه خود و جلوگیری از مداخله قدرت‌های جهانی غیرمنطقه‌ای در حل مناقشه بوده است. تهران به دنبال این بوده است تا ایالات متحده همراه با اعضای ناتو و رژیم صهیونیستی مستقیماً وارد مناقشه قره‌باغ نشوند؛ بدین سبب که نفوذ خارجی در قفقاز جنوبی تثبیت نشود (غفاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹).

ابوالفضل ایلچی بیگ، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان که آرمان «جمهوری آذربایجان بزرگ» را ترویج می‌کرد؛ «از اندیشه‌های پان‌ترکیسم استقبال کرد و سعی کرد به خویشاوندان زبانی در ایران دست یابد». برای مقابله با این امر، تهران به دنبال توسعه روابط نزدیک‌تر با ارمنستان مسیحی بود که با مواضع قبلی جمهوری اسلامی تفاوت داشت. این تغییر به چیزی منجر شد که به محور ژئوپلیتیکی تهران-مسکو-ایروان معروف شد (Avdaliani, 2021a: 6). به گفته تحلیل‌گران سیاسی ایران، این محور یک حرکت تدافعی به‌عنوان یک اقدام متعادل کننده در برابر تهدیدات محور ژئوپلیتیک آمریکا، رژیم صهیونیستی، ترکیه و جمهوری آذربایجان بود. ایران با تشکیل محور تهران-مسکو-ایروان به دنبال کاهش نقش رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه است (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۲۴).

با روی کار آمدن حیدر علی‌اف در ژوئن ۱۹۹۳ و برقراری آتش‌بس در جنگ قره‌باغ در ۱۹۹۴، ایران کوشید تا سیاست متوازنی در قبال دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان اتخاذ کند. در این راستا، تهران ضمن حمایت از آتش‌بس، سعی نمود سیاست بی‌طرفی و نقش میانجی‌گری را در مناقشه قره‌باغ ایفاء نماید. از برتری یکی از این دو بر دیگری در جنگ جلوگیری نماید. این موضع ایران به دلیل نگرانی از پیامدهای منفی امنیتی ناشی از بر هم خوردن موازنه به نفع یکی از طرفین بود. هدف ایران از میانجی‌گری و تلاش برای آتش-بس، حفظ امنیت مرزهای شمالی، تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور بوده است. زیرا خطر

سرایت ناامنی به مناطق شمالی و بر انگیزخته شدن احساسات تجزیه طلبانه همواره وجود داشته است. از سویی، ادامه جنگ و درگیری باعث مداخله نظامی روسیه، آمریکا، ترکیه، رژیم صهیونیستی و ناتو می‌گردد که به هیچ وجه در جهت اهداف و منافع ملی ایران نیست (سنایی و کریمی، ۱۳۹۱: ۶۱). از اوایل دهه ۲۰۰۰، موازنه قوای منطقه‌ای به نفع باکو تغییر کرد. جمهوری آذربایجان با درآمدهای بالای نفتی و توانایی رو به رشد برای تبدیل توان مالی خود به قدرت سخت، قدرتمندتر از ارمنستان شد. به تدریج قوت یافتن جمهوری آذربایجان در کنار ضعف ارمنستان منجر به شکل دادن به الزامات جدید ژئوپلیتیکی ایران شد. تهران به جای تکیه صرف بر ارمنستان، به دنبال بهبود روابط با جمهوری آذربایجان رفت. دلیل دیگر این رفتار نگرانی ایران از رشد نامتوازن بالقوه نفوذ ترکیه است. از نظر تهران، این سناریو می‌تواند منجر به ایجاد اتحاد جمهوری آذربایجان و ترکیه شود که تا حد زیادی منافع ایران را در قفقاز محدود می‌کند. بنابراین، هدف تهران این بوده است که بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان موازنه‌ای برقرار کند تا مبادا باعث نزدیکی بیشتر جمهوری آذربایجان به آنکارا شود (Avdaliani, 2022: 114).

استقرار حدود ۲۰۰۰ صلح‌بان روسی مستقر در قره‌باغ کوهستانی و جمهوری آذربایجان، کنترل بیشتر ۷ منطقه اطراف منطقه مناقشه و برخی از بخش‌های خود قره‌باغ را به باکو بازگرداندند. همچنین بر اساس توافق‌نامه ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، قرار شد یک کریدور حمل‌ونقل جدید از باریک‌ترین بخش ارمنستان عبور کند تا نخجوان را به بقیه جمهوری آذربایجان متصل کند. این امر به طور بالقوه به ترکیه اجازه می‌دهد تا به منطقه وسیع‌تر خزر دست یابد. در واقع، اگرچه ایران از توافق قره‌باغ کوهستانی استقبال کرد، اما نگرانی از این‌که جمهوری آذربایجان می‌تواند به نقطه پرش ترکیه برای نفوذ در شمال ایران و منطقه وسیع‌تر خزر تبدیل شود؛ یک امر واقعی بوده است. به عنوان مثال، پس از جنگ ۲۰۲۰، ترکیه و جمهوری آذربایجان تفاهم‌نامه‌ای را امضاء کردند که بر اساس آن، شرکت نفت و گاز بوتاش ترکیه، مناقصه‌ای را برای اجرای یک خط لوله گاز جهت تأمین انرژی نخجوان به دست آورد که این موضوع، مسیر عرضه جدید فروش گاز ایران به جمهوری آذربایجان را به حاشیه می‌برد (Cevrioglu, 2020: 8). پس از جنگ ۲۰۲۰، موازنه قدرت در قفقاز جنوبی تغییر کرد. ارمنستان نه تنها در جنگ؛ بلکه قدرت نظامی انباشته شده در بیست و پنج سال گذشته را نیز از دست داد و بعید است که در کوتاه‌مدت به طور کامل بهبود یابد. در مورد جمهوری آذربایجان، با وجود این‌که در جنگ پیروز شد و همه مناطق مورد نظر و ادعایی خود را

کسب کرد؛ ایران که نگران حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و نفوذ فزاینده ترکیه است؛ تلاش کرد دیپلماسی را تقویت کند و همچنین پروژه‌های یکپارچگی اقتصادی را انجام دهد تا از تشدید تنش‌ها در منطقه بکاهد (Markedonov, 2020: 7).

ایران همواره با پشتیبانی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، خواستار بازگشت طرفین به مرزهای قبل از درگیری و تخلیه مناطق اشغالی از سوی ارمنستان بوده است و در طول جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ نیز بر این موضع پافشاری نمود که نباید مرزهای سیاسی منطقه تغییر کند (نجفی‌سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۵۱۸). در واقع، به دنبال جنگ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ قره‌باغ و تغییر محسوس موازنه نظامی به نفع جمهوری آذربایجان، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی نوپدید، ایران را به سوی باز تنظیم سیاست خارجی خود در قفقاز جنوبی و خروج از سیاست بی‌طرفی سنتی خود پیش برده است. سیاست خارجی ایران در قبال بحران قره‌باغ بعد از جنگ ۲۰۲۰ چرخشی تاکتیکی را تجربه کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی کشور، در سخنرانی زنده تلویزیونی در ۱۳ آبان ۱۳۹۹ به موضوع جنگ در قره‌باغ اشاره و اظهار داشتند که این درگیری نظامی باید هرچه زودتر پایان یابد و همه سرزمین‌های جمهوری آذربایجان که ارمنستان تصرف کرده است، باید آزاد و به جمهوری آذربایجان برگردانده شود. وی بر لزوم حفظ امنیت ارامنه در این سرزمین‌ها و رعایت مرزهای بین‌المللی از سوی دو کشور تأکید کردند. با وجود تأکید ایران بر سیاست سنتی بی‌طرفی خود، سخنان مقامات ایرانی در جنگ دوم قره‌باغ نشان از تمایل تهران به حمایت از مواضع سرزمینی جمهوری آذربایجان در قره‌باغ داشت. علی‌اکبر ولایتی، مشاور عالی سیاست خارجی رهبری ایران، در این رابطه اعلام کرد: «مناطق اشغالی جمهوری آذربایجان باید تخلیه شود و ارمنی‌ها باید عقب‌نشینی کنند». محمدجواد ظریف، وزیر خارجه سابق ایران، نیز با تأکید بر خروج نیروهای اشغالگر ارمنی از قره‌باغ کوهستانی، از چارچوب صلح ۳+۳ متشکل از سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه (ایران، ترکیه و روسیه) حمایت کرد (گل‌محمدی و عزیزی، ۱۴۰۱: ۲۹۷).

کوزه‌گر کالجی، کارشناس مسائل آسیای مرکزی و قفقاز، هشت اصل سیاست خارجی ایران را در قبال مناقشه قره‌باغ این‌گونه بیان می‌کند: ۱. به رسمیت شناختن حق حاکمیت جمهوری آذربایجان بر منطقه قره‌باغ و هفت منطقه پیرامونی آن؛ ۲. به رسمیت شناختن آرتساخ و دیگر تحولات سیاسی منطقه قره‌باغ؛ ۳. رویکرد متوازن و حفظ روابط هم‌زمان با دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان؛ ۴. مخالفت با جنگ و کاربست قوه قهریه در حل و فصل

بحران قره‌باغ؛ ۵. حفظ حقوق و امنیت ارامنه قره‌باغ در طرح‌های صلح؛ ۶. مخالفت با قدرت-های فرامنطقه‌ای در حل بحران؛ ۷. مخالفت با استقرار نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در خطوط تماس بحران در مجاورت مرزهای ایران و؛ ۸. میانجی‌گری در حل و فصل مناقشه در صورت تمایل طرفین (Koozegar Kalji, 2020).

با این حال، عمل‌گرایی حکم می‌کند که سیاست بی‌طرفی ایران بر اساس شرایط موجود در دهه ۱۹۹۰ دیگر قابل تحمل نیست. پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰، توازن قوا را در منطقه بر هم زد. این امر در واقع بدان معنی است که دوران حمایت ضمنی که ارمنستان از آن برخوردار بود؛ به تدریج با موضع ظریف‌تر و متعادل‌تر ایران جایگزین شود که واقعیت‌های جدیدی را در منطقه بین ایروان و باکو منعکس می‌کند. ایران توجه بیشتری به جاه‌طلبی‌های جمهوری آذربایجان نشان داد. همچنین یک موضوع زیرساخت انرژی وجود دارد که به نفع باکو است. پروژه خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی و شرکت هواپیمایی تاپ پرتغال<sup>۱</sup> پروژه‌هایی هستند که ایران به آن‌ها علاقه‌مند است و جمهوری آذربایجان در مقایسه با پروژه جایگزین ارائه شده توسط ارمنستان در آن‌ها برتری دارد. از این منظر، تغییر محاسبات ایران در جهت ایجاد روابط نزدیک‌تر با جمهوری آذربایجان کاملاً منطقی خواهد بود. تغییر به سمت بهبود روابط دوجانبه تهران و باکو حتی قبل از جنگ دوم قره‌باغ کوهستانی آشکار بود؛ زمانی که موازنه قدرت استراتژیک بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به دلیل کمک نظامی خارجی و مهم‌تر از همه، حرفه‌ای شدن ارتش جمهوری آذربایجان به شدت به سمت باکو متمایل شد.

با این حال، موقعیت تقویت شده جمهوری آذربایجان همراه با جاه‌طلبی‌های رو به رشد ترکیه، تهران را به سمت اتخاذ موضع نظامی فعال‌تر در منطقه سوق می‌دهد (Avdaliani, 2022: 141). بدین ترتیب، بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی می‌توان گفت؛ از آنجایی که نظام بین‌الملل یک نظام اقتدارگریز است که همواره با مسئله معمای امنیتی روبه‌رو بوده است؛ لذا دولت‌ها به ناگزیر برای تأمین امنیت خود در تکاپوی افزایش قدرت خویش هستند؛ زیرا در نظام آنارشیک و خودیار دولت‌ها فقط با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقیه‌شان خاطر جمع شوند (درج و نورانی بنام، ۱۴۰۱: ۸۱). از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع‌گرایی تدافعی با هدف تأمین اهداف و منافع خود به‌ویژه

۱. تاپ پرتغال؛ شرکت هواپیمایی حامل پرچم پرتغال است که در سال ۱۹۴۵ تحت نام شرکت حمل‌ونقل هوایی پرتغال تأسیس شد و هم‌اکنون کلیه سهام آن در اختیار دولت پرتغال قرار دارد (Neves, 2018: 31).

منافع امنیتی و حفظ حاکمیت ارضی خود به حمایت از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ پرداخته و در این راستا، حق حاکمیت باکو بر خاک قره‌باغ را به رسمیت شناخته است. ایران به اتحاد ترکیه با جمهوری آذربایجان و جاه‌طلبی فزاینده این کشور در آسیای مرکزی با سوءظن می‌نگرد. مشارکت نظامی ترکیه در منطقه همچنین حضور ناتو را در اطراف مرزهای ایران افزایش خواهد داد. تهران تأکید کرده است که مرزهایش با ارمنستان نباید از دالان جعلی زنگزور (تورانی) عبور کند. ایران هرگونه اشغال اراضی ارمنستان را که منجر به قطع ارتباط زمینی این کشور با ارمنستان شود، به ضرر منافع ملی حیاتی خود می‌داند (Aref, 2021: 6). محسن میلانی، استاد علوم سیاسی در دانشگاه فلوریدای جنوبی، به‌درستی نگرانی واقعی تهران را به تصویر می‌کشد: «هدف ترکیه و جمهوری آذربایجان قطع روابط جغرافیایی ایران و ارمنستان با تسلط بر استان سیونیک ارمنستان است که دسترسی ایران به گرجستان و بندر دریای سیاه باتومی را قطع می‌کند و این کشور را در تنگنای ژئواستراتژیک قرار می‌دهد. از سوی دیگر، ایران تمام تلاش خود را می‌کند تا با حمایت از تمامیت ارضی ارمنستان از این امر جلوگیری کند» (Milani, 2019: 125).

ایران کاهش تنش با جمهوری آذربایجان و استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و اقتصادی جدید خود را برای منافع ملی خود ضروری می‌داند. به همین ترتیب، ایران به‌شدت طرفدار قرارداد مبادلات گازی بین ترکمنستان-ایران و جمهوری آذربایجان و تکمیل کریدور شمال-جنوب است که هند را از طریق مسیر ایران-جمهوری آذربایجان-روسیه-اروپا به هم متصل می‌کند. در همین حال، ایران به دنبال حفظ ارتباط زمینی خود با ارمنستان است تا بتواند مسیر مستقلی به گرجستان، دریای سیاه و اروپا داشته باشد. موقعیت تهران پس از جنگ اخیر قره‌باغ تحت تأثیر جغرافیای اقتصادی قرار خواهد گرفت. ایران استراتژی توسعه بندر و راه آهن را دنبال کرده است که اکنون بخشی از یک حرکت بزرگ‌تر برای قرار گرفتن خود به‌عنوان حلقه ارتباطی بین پروژه‌های اقتصادی در هند، چین و روسیه است. جمهوری آذربایجان برای ایران جهت بهره‌مندی از مسیرهای ترانزیتی خود در کریدور شمال-جنوب که از اقیانوس هند تا بنادر بالتیک امتداد دارد؛ حیاتی است. در مجموع، ایران به آهستگی در حال تطبیق با واقعیت‌های در حال تغییر در قفقاز جنوبی است و به نظر می‌رسد قصد دارد از یک سو روابط اقتصادی خود را با باکو تقویت کند و از سوی دیگر تحت پلت فرم ۳+۳ همکاری کند (Heiran-Nia And Monshipouri, 2023: 138). از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین اهداف و منافع خود در منطقه قفقاز جنوبی در راستای نقش‌آفرینی در

تحولات این منطقه به‌ویژه مناقشه قره‌باغ گام بر می‌دارد تا از این طریق، ضمن تقویت جای پای نفوذ و حضور خود در منطقه، از شکل‌گیری نظم و موازنه قدرت منطقه‌ای به ضرر تهران و متحدان آن در قفقاز جلوگیری نماید.

### ۳. اقدامات ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ

ترکیه از ابتدای درگیری قره‌باغ در سال ۱۹۹۲، با جانبداری از جمهوری آذربایجان، تمامی روابط خود را با ارمنستان قطع کرد. پویایی روابط بین جمهوری آذربایجان و ترکیه شامل؛ روابط نزدیک قومی و تاریخی، شباهت‌های زبانی، افزایش وابستگی ترکیه به انرژی باکو، روابط دیپلماتیک بلندمدت و همکاری‌های نظامی دوجانبه است. از دید رهبران ترکیه تا زمانی که جمهوری آذربایجان در قفقاز ثبات و موقعیت قدرت منطقه‌ای را کسب نکند؛ افزایش وزن ژئوپلیتیک ترکیه در منطقه ممکن نخواهد بود. به همین دلیل در جریان جنگ قره‌باغ، هنگامی که آرامنه به اشغال قره‌باغ بسنده نکردند و مناطق دیگری را نیز در آوریل ۱۹۹۳ به تصرف درآوردند؛ ترکیه روابط خود را با ارمنستان قطع نمود و مرزهای خود را بر روی این کشور بست. از دید آنکارا اشغال بخش‌هایی از جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان، در واقع باخت استراتژیک ترکیه نیز هست. با تکمیل طرح‌های گازی تاپ و تاناپ، جایگاه جمهوری آذربایجان در استراتژی انرژی آنکارا نیز برجسته‌تر خواهد شد (محمود اوغلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۴-۹۳).

وجود پیوندهای هویتی و قومی بین دو کشور ترک‌زبان ترکیه و جمهوری آذربایجان موجب حمایت همه‌جانبه آنکارا از باکو در مقابل سیاست‌های ایروان شده است. حتی قطع مناسبات دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های اقتصادی و بستن مرزهای دو کشور از جمله اقدامات دولتمردان ترکیه طی دو دهه گذشته در قبال ارمنستان بوده است. آنکارا در جریان جنگ قره‌باغ در یک وضعیت اضطراری تمام امکانات خود را بسیج کردند تا جمهوری آذربایجان را تنها نگذارند. در حقیقت، به‌مانند حمایت سپاه عثمانی از جمهوری آذربایجان در قبال کشتار دسته‌جمعی آن‌ها بعد از جنگ جهانی اول، پس از استقلال جمهوری آذربایجان، این حمایت‌ها در دوره اشغال قره‌باغ و مناطق پیرامونی آن توسط آرامنه نیز ادامه داشته است (ولیعقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۹). از میان جمهوری‌های شوروی سابق، ترکیه از نظر زبان و قومیت به جمهوری آذربایجان بسیار نزدیک است. جمهوری آذربایجان همچنین به دلیل ذخایر نفتی و مشارکت ترکیه در پروژه خط لوله باکوت تفلیس ت جیهان، متحد مهمی برای ترکیه



است. بنابراین ترکیه فعالانه از حق جمهوری آذربایجان برای تمامیت ارضی در مناقشه قره-باغ حمایت و در همبستگی با باکو، محاصره اقتصادی ارمنستان را حفظ می‌کند. با این حال، این محاصره در حال تبدیل شدن به یک معضل برای ترکیه است. ترکیه بین حمایت از متحد نزدیک خود، جمهوری آذربایجان، و فشار فزاینده نیروهای داخلی و خارجی برای باز کردن مرز با ارمنستان درگیر است. طرح‌های باز کردن مرز باعث تنش با باکو می‌شود. با این حال، ترکیه به‌منظور ترمیم روابط دیپلماتیک با ارمنستان از سوی اتحادیه اروپا با فشار مواجه است. علاوه بر این، بسیاری از مردم در خود ترکیه، به‌ویژه در شهرهای مرزی، مانند قارص، نیز به دلایل اقتصادی موافق باز شدن مرز هستند (Papazian, 2023: 16) که این امر می‌تواند به تأمین امنیت انتقال انرژی به اروپا و مبادلات اقتصادی میان کشورهای منطقه کمک شایان توجهی نماید.

گرم شدن موقت روابط بین ایران و آنکارا منجر به امضای دو پروتکل زوریخ در اکتبر ۲۰۰۹ شد که در آن عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین دو کشور و باز شدن مرز ترکیه و ارمنستان پیش‌بینی شده بود. با این حال، این تغییر زمانی رخ داد که در حمایت از باکو، هرگونه پیشرفت در عادی‌سازی روابط آنکارا و ایران، باید به بازگشت ارمنستان از اراضی جمهوری آذربایجان در اطراف قره‌باغ کوهستانی و کنترل باکو بر این مناطق مرتبط می‌شد (Kirisci And Moffatt, 2015: 81). چارچوب قانونی مشارکت ترکیه در مناقشه قره‌باغ، بر اساس «توافق‌نامه همکاری استراتژیک و کمک متقابل» که توسط دو کشور در سال ۲۰۱۰ میلادی، در باکو میان الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان و عبدالله گل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، امضاء شد، فراهم گردید که بر مبنای آن در صورت تعرض به یکی از طرفین توسط کشور ثالث، طرف دیگر می‌بایست با استفاده از همه ابزارهای ممکن کمک نماید (Isachenko, 2020: 2).

بر این مبنای، ترکیه در جنگ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ میلادی پشتیبانی جدی و حمایتی اساسی را از باکو به لحاظ سیاسی، نظامی و اطلاعاتی صورت داد و تعدادی از شبه‌نظامیان سوری را در جمهوری آذربایجان مستقر ساخت. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، پیرامون اعزام نیروهای تکفیری به خاک جمهوری آذربایجان توسط ترکیه، ادعا کرد: «گزارش‌های اطلاعاتی ثابت می‌کند که ۳۰۰ مبارز سوری از شهر حلب سوریه خارج و از طریق شهر «غازیان تپه» ترکیه به جمهوری آذربایجان فرستاده شده‌اند» (France, 2020: 1). به نظر می‌رسد که اهداف احتمالی ترکیه از این حمایت‌ها عبارت است از: ۱. گسترش نفوذ منطقه-

ای؛ ۲. ایفای نقش به‌منظور اثبات توانایی این کشور در حل مناقشات منطقه‌ای (رجبی و رجبی، ۱۴۰۰: ۲۱۹-۲۱۸).

در جریان جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، مقامات سیاسی ترکیه به‌شدت از جمهوری آذربایجان حمایت نظامی و سیاسی کردند؛ این اقدامات در آینده منجر به این خواهد شد که سطح تعاملات و روابط میان ترکیه و جمهوری آذربایجان عمیق‌تر شود و شاهد حضور چشم‌گیرتر ترکیه در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز باشیم. بر مبنای قرارداد صلح نوامبر ۲۰۲۰، ترکیه نیروهای خود را در جمهوری آذربایجان حفظ خواهد کرد و از طریق کریدور پیشنه‌های نخجوان- جمهوری آذربایجان (دالان زنگزور)، مستقیماً به دریای خزر دسترسی پیدا خواهد کرد. این طرح هم‌چنین می‌تواند مستقیماً بر آسیای میانه تأثیر بگذارد که یکی از اهداف مورد علاقه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، است. این امر به‌طور قابل‌توجهی به تحقق رؤیاهای ترکیه، برای متحد کردن جهان ترک تحت رهبری آنکارا کمک خواهد کرد. هدف آنکارا بیش از هر چیز حضور در تحولات میدانی آتی قفقاز جنوبی و آسیای میانه است و جمهوری آذربایجان در حکم دروازه ورود آنکارا به این مناطق محسوب می‌شود (محمود اوغلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۵). بدین ترتیب، ترکیه در تلاش است تا با تقویت و توسعه حضور در لایه‌های قدرت در منطقه، نظم و معادلات منطقه‌ای را در راستای اهداف و سیاست‌های آنکارا و متحدان منطقه‌ای آن در آسیای مرکزی و قفقاز شکل بخشد و از این طریق با تبدیل شدن به بازیگری مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای، مانع شکل‌گیری موازنه قوا به نفع ایران و روسیه در منطقه گردد.

رویکرد ترکیه در قبال بحران قره‌باغ کاملاً تحت تأثیر مناسبات این کشور با روسیه، دولت‌های اوراسیای مرکزی و موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا است. روسیه یک طرف عمده و مهم تحولات در روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. این کشور منطقه قفقاز را حیاط خلوت و حریم امنیتی خود می‌داند که بحران قره‌باغ در آن واقع شده است. مهم‌ترین عنصر تفکر روسیه در قبال مسئله قفقاز و به‌طور خاص در بحران قره‌باغ، حفظ موازنه راهبردی در قفقاز و ممانعت از توسعه نفوذ غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه است. امروزه رهبران روسیه که بر مسئله بازیافت قدرت و نفوذ روسیه در عرصه جهانی و به‌خصوص کسب نفوذ انحصاری در منطقه خارج نزدیک متمرکز می‌باشند؛ گسترش نفوذ ترکیه و حرکت نهاده‌ای غربی به سمت مرزهای خود را مانعی بر سر راه اعاده نفوذ خود بر منطقه اوراسیا می‌دانند. از دید روسیه اقدامات ترکیه در منطقه که با حمایت غرب صورت می‌گیرند؛ در نهایت در راستای تأمین اهداف ناتو در منطقه است. گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به‌طرف

مرزهای روسیه و حمایت از به حاکمیت رسیدن رژیم‌های طرفدار غرب در عمل به افزایش استعداد انزوای سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور در اروپا منجر شده و واقعیت محاصره روسیه را متجلی ساخته است (یزدانی و خیری، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۴۴) و این امر به معنای از دست رفتن سلطه روسیه و کمرنگ شدن هژمونی این کشور در منطقه است.

ترکیه در تلاش است تا با ایفای نقش مؤثر در مناقشه قره‌باغ جایگاه منطقه‌ای خود را به‌عنوان بازیگری کلیدی ارتقاء بخشد و از این طریق فرصتی برای عضویت آنکارا در اتحادیه اروپا فراهم نماید. نگرانی مهم ترکیه در مناقشه قره‌باغ، افزایش نفوذ فزاینده روسیه در قفقاز است که این امر باعث رقابت و تضاد منافع با مسکو شده است. ترکیه که حضور و نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی را در تعارض با رویکردهای سیاسی-امنیتی و اقتصادی خود تصور می‌نماید؛ با اتخاذ رویکردی موازی با سیاست‌ها و رویکردهای هم‌پیمانان قدرتمند خود همچون؛ ایالات‌متحده و ناتو در قفقاز جنوبی، سیاست‌های روسیه و متحدان این کشور را در منطقه با چالش جدی مواجه ساخته و در بحران‌ها و مناقشات موجود در قفقاز جنوبی از جمله قره‌باغ، مواضعی متفاوت با روسیه اتخاذ می‌نماید. بدین ترتیب، از آنجایی که آنکارا در راستای اهداف و منافع بازیگران غربی در منطقه قفقاز نقش‌آفرینی می‌کند؛ لذا مقامات مسکو با هدف تحکیم اهرم نفوذ خود در قفقاز اجازه نمی‌دهند که آنکارا جای پای نفوذ کرملین را در منطقه بگیرد.

ترکیه به لحاظ راهبردی سعی دارد از طریق روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی با دولت‌های ترک‌زبان به‌ویژه جمهوری آذربایجان جایگاه خود را در قفقاز جنوبی ارتقاء بخشد. در نقشه «جهان ترک» که اخیراً توسط نمایندگان احزاب ناسیونالیست به اردوغان تحویل داده شده است؛ جمهوری آذربایجان، تمام آسیای مرکزی، برخی از مناطق ایران، مغولستان و بخش‌های بزرگی از روسیه با عنوان «دنیای ترک» برجسته شده‌اند (Hayrapetyan, 2022: 93). واقع‌گرایان تهاجمی بر این نظرند که توانایی‌های نسبی تا حد زیادی به نیت دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود؛ می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین‌المللی را کنترل نماید (درج و آقای، ۱۳۹۶: ۴۳). در این میان، حضور نیروهای ترکیه در جمهوری آذربایجان پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، فرصت بیشتری را برای ترکیه در آینده فراهم کرد تا نفوذ خود را در آسیای مرکزی و قفقاز گسترش دهد و پروژه‌های زیرساختی را که آسیای مرکزی را به قفقاز جنوبی متصل می‌کند؛ کنترل نماید.

محور آنکارات باکو همراه با حضور هم‌پیمانانی همانند؛ پاکستان و رژیم صهیونیستی، در صدد شکل‌دهی نوعی از موازنه قدرت علیه ایران و متحد بالقوه آن یعنی ارمنستان هستند. ترکیه بعد از ناکامی در حوزه‌های راهبردی مثل لیبی، عراق و سوریه تمایل زیادی در دست‌یابی به دستاوردهای حداقلی در منطقه قفقاز دارد. این دستاورد که همان رسیدن به راه ارتباطی زمینی به جمهوری آذربایجان است می‌تواند نقشه‌های بلندپروازانه اردوغان برای ایجاد یک مسیر زمینی از طریق کریدورهای ارتباطی با چین بدون عبور از ایران را محقق کند که یک دستاورد اقتصادی و ژئوپلیتیک برای ترکیه است. در صورت تحقق این نقشه، رفتار ترکیه در منطقه تهاجمی‌تر خواهد شد. ترکیه و جمهوری آذربایجان از این مسئله به‌عنوان یک برگ برنده در روابط خود با غرب و آمریکا نیز استفاده کرده و شاید پای آنان را به‌صورت جدی‌تری به قفقاز باز کنند (حاج زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۳۹-۱۳۳). بنابراین می‌توان گفت؛ با توجه به این که یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل و توجه به مناطق پیرامونی است؛ لذا آنکارا در تلاش است تا با گسترش حضور در معادلات آسیای مرکزی و قفقاز به قدرتی تأثیرگذار و مهم در منطقه تبدیل شود و از این طریق، ضمن برقراری موازنه قدرت به نفع خود و متحدان منطقه‌ای، اهداف و منافع راهبردی خود را در منطقه تأمین و تضمین نماید.

فرید زکریا<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تهاجمی بر آن است که تاریخ نشان می‌دهد دولت‌ها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند می‌شوند، به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند، و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود می‌روند (Zakaria, 1998: 3). بدین ترتیب، در ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۰، مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، ضمن اعلام حمایت قاطع آنکارا از جمهوری آذربایجان اظهار داشت: «هر راه حلی که باکو برای سرزمین‌های اشغالی و قره‌باغ ترجیح می‌دهد؛ ترکیه در کنار جمهوری آذربایجان خواهد بود. ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ ۲۰۲۲، جنگ‌افزارهای مختلفی در اختیار باکو قرار داد. این کشور همچنین با اجرای برنامه بازسازی تسلیحاتی و آموزش نظامی، در سازمان‌دهی ارتش جمهوری آذربایجان، نقش مهمی داشته است. بنا بر گزارش منابع رسانه‌ای ترکیه، این کشور پهبادهای بایراکتار تی بی ۲<sup>۲</sup> و تجهیزات جنگ الکترونیکی در اختیار جمهوری

<sup>۱</sup>. farid zakaria

<sup>۲</sup>. Bayraktar TB2

آذربایجان قرار داد. وزارت دفاع جمهوری آذربایجان در جریان مناقشه قره‌باغ اعلام کرد: «پهبادهای ترکیه با بمب‌های هوشمند MAM-C و MAM-L مواضع ارمنستان را بمباران کردند. همچنین ارتش جمهوری آذربایجان راکت‌اندازها و موشک‌های هوشمند، شبیه کاتیوشای ۱۲۲ میلی متری و ۳۰۰ میلی متری ساخت ترکیه را به کار گرفت (TRT Haber, 2020: 5).

اگرچه در توافق‌نامه صلح ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان نامی از ترکیه برای ایفای نقش در روند آتش‌بس برده نشد؛ اما پارلمان ترکیه یک هفته بعد در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰، لایحه اعزام نیرو به جمهوری آذربایجان را تصویب کرد. در این مصوبه بر ایجاد «مرکزی مشترک» در سرزمین‌های آزاد شده جمهوری آذربایجان در چارچوب توافق‌نامه آتش‌بس تأکید شد. یک ماه بعد از این مصوبه نیز آنکارا و مسکو درباره نظارت ترکیه بر آتش‌بس در قره‌باغ در داخل خاک جمهوری آذربایجان به توافق رسیدند. بنا بر اعلام خلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه، «مرکز مشترک نظارت ترکیه و روسیه بر اجرای آتش‌بس در قره‌باغ احداث و افسران ترک و روس در این مرکز بر آتش‌بس و حفظ ثبات در منطقه نظارت دارند». این توافق‌نامه برای حضور نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان مهم تلقی می‌شود. در خلال سال ۲۰۲۱، چند رزمایش میان ترکیه و جمهوری آذربایجان از جمله در منطقه لاجین، نخجوان و دریای خزر برگزار شد و نظامیان ارشد ترکیه نیز بر آن نظارت داشتند (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۴). همچنین باید گفت؛ از سال ۲۰۱۲، تمرینات نظامی سه‌جانبه مشترک میان ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان به‌صورت سالانه تحت عنوان «عقاب قفقاز» برگزار می‌شود (Frahm And Others, 2018: 19). باین حال، از آنجایی که ترکیه در خاورمیانه و مدیترانه فعال تر شده است؛ سیاست آن در قبال قره‌باغ کوهستانی نیز پویا شده و در جنگ ۲۰۲۰ به اوج خود رسید. قبل از درگیری قره‌باغ، تمایل خاصی در آنکارا برای کمک‌های نظامی گسترده به جمهوری آذربایجان وجود داشت. عوامل متعددی این سیاست را تسریع کرد. اول جریان انرژی است. با افزایش بازار مصرف ترکیه (Yermekbayev And Others, 2020: 168)، جمهوری آذربایجان به تدریج به سمت تأمین‌کننده اصلی گاز خود تا اواسط سال ۲۰۲۰ پس از راه‌اندازی پروژه خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی<sup>۱</sup> در اواخر سال ۲۰۱۹ حرکت کرد (Avdaliani, 2020: 6).

<sup>۱</sup>. Trans Anatolia

خط لوله ترانس آناتولی یا همان تاناپ<sup>۱</sup> نخستین بار در نوامبر ۲۰۱۱ میلادی، در سومین نشست مجمع اقتصادی و انرژی دریای سیاه در استانبول مطرح شد. به دنبال آن توافقنامه ساخت خط لوله تاناپ را رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در ۲۶ دسامبر ۲۰۱۱ میلادی، امضاء کردند. سرانجام در ۱۷ مارس ۲۰۱۵ میلادی، اردوغان، علی‌اف و گئورگی مارگو لاشویلی<sup>۲</sup>، رئیس‌جمهور گرجستان، در شهر قارص ترکیه در عملیات ساخت خط لوله تاناپ حضور یافتند و در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ میلادی، این طرح به شکل رسمی افتتاح شد و اردوغان آن را «جاده ابریشم ترکیه» توصیف کرد. بحران اوکراین و چشم‌انداز تداوم چالش‌های روسیه و غرب سبب افزایش رغبت اتحادیه اروپا برای تکمیل این پروژه شده است و ترکیه فرصت ژئوپلیتیکی یافته است که با حمایت کشورهای مهم اروپایی طرح ترانس آناتولی را گسترش داده و موقعیت ممتاز تاریخی روسیه در انتقال انرژی به اروپا را با چالش مواجه کند ( Yilmaz And Ozdem Erturk, 2017: 62).

ترکیه از طریق خط لوله تاناپ، گاز جمهوری آذربایجان را در مرزهای غربی خود دریافت و به مرز یونان منتقل می‌کند. ترکیه تضمین داده است که در صورت افزایش صادرات از طریق تاناپ ۱۶ میلیارد متر مکعب را خریداری و ۱۶ میلیارد مکعب را به اروپا صادر کند. با تکمیل تدریجی کریدور گازی جنوبی، یک مسیر جدید برای تأمین گاز اروپا فراهم‌شده و نیاز بیشتری به ساخت خط لوله ترنس کاسپین احساس می‌شود. خط لوله پیشنهادی ترنس کاسپین تاکنون فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته است که هیچ‌کدام عملیاتی نشده است. در آخرین نسخه از این ایده قرار شده است که گاز ترکمنستان از مبدأ بندر ترکمن-باشی به ترمینال انرژی سنگچال<sup>۳</sup> در جمهوری آذربایجان منتقل شود و سپس از طریق خط لوله قفقاز جنوبی به تاناپ برسد. یک شعبه از این خط لوله به تاناپ و شعبه دوم آن از طریق گرجستان به خط لوله وایت استریم در بستر دریای سیاه متصل خواهد شد (فلاحی و وثوقی، ۱۳۹۹: ۷۶-۷۸). اگرچه تهران و مسکو مسائل و موضوعات زیست محیطی و قانونی را برای مسدود کردن لوله‌گذاری در دریای خزر مطرح کرده‌اند؛ اما بحث بر سر این خط لوله سیاسی شده است. روسیه و ایران معتقدند نباید ترکمنستان به قیمت نابودی منافع ایران و روسیه به لحاظ سیاسی و اقتصادی از صادرات گاز به بازارهای اروپا سود ببرد. بر طبق مقررات اروپا،

<sup>۱</sup>. Tanap

<sup>۲</sup>. Giorgi Margolashvili

<sup>۳</sup>. Sangchal

جمهوری آذربایجان حق انحصاری برای صادرات گاز به خط لوله ترانس آدریاتیک را ندارد. به‌علاوه، بروکسل منافع بازبینی شده خود در خط لوله ماورای خزر را بیان کرده و موافقت خود با توافقنامه دارای چارچوب قانونی جهت خرید گاز ترکمنستان برای اتحادیه اروپا را اعلام کرده است (Winrow, 2017: 102).

ترکیه در تلاش برای کاهش وابستگی خود به گاز روسیه است. در این میان، اهمیت جریان انرژی دریای خزر به ترکیه در ژوئیه ۲۰۲۰ زمانی که در پی درگیری در تووز<sup>۱</sup> بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، عملیات خطوط لوله منطقه را تهدید کرد؛ آشکار شد. آنکارا در بیانیه‌ها و اقدامات سیاسی خود تصریح کرد؛ اگر زیرساخت‌ها در معرض خطر باشد؛ این کشور از نظر نظامی به جمهوری آذربایجان کمک می‌کند (Suleymanov And 6: Babayev, 2020). دلایل دیگری نیز آنکارا را برانگیخت تا نقش قاطع‌تری را در مناقشه قره‌باغ و حمایت از باکو دنبال کند. پس از انقلاب مخملی ۲۰۱۸ ارمنستان و ظهور نیکول پاشینیان به‌عنوان یک چهره سیاسی برجسته، این تحول احساسات متفاوتی را در ترکیه به وجود آورد. برای آنکارا، پاشینیان یک فاصله قابل توجه از سیاستمداران تندروی ارمنی قره‌باغ بود که برای نزدیک به دو دهه بر سیاست ارمنستان تسلط داشتند. اگرچه سیاستمداران قره‌باغ مدافعان سرسخت ارتش ارمنستان و عموماً سازش‌ناپذیر بودند؛ اما پاشینیان ثابت کرد که شخصیت غیرقابل پیش‌بینی است. پاشینیان در ابتدا به حل‌وفصل مناقشه اشاره کرد؛ اما پس از آن خواهان اتحاد قره‌باغ کوهستانی و ارمنستان در سفر خود به خانکندی<sup>۲</sup> (استپاناکرت)<sup>۳</sup> شد. وی همچنین شرق ترکیه را "سرزمین تاریخی ارمنستان" نامید و در سال ۲۰۲۰ رسماً صدمین سالگرد معاهده منقرض شده سور را که هدف آن تجزیه امپراطوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول بود؛ جشن گرفت. این معاهده با معاهده لوزان ۱۹۲۳ جایگزین شد و امروزه در ترکیه با آسیب‌های ملی و بی‌اعتمادی دائمی نسبت به غرب جمعی همراه است. داویت تونویان<sup>۴</sup>، وزیر دفاع ارمنستان، با تشدید این موضع، طی نشستی در نیویورک با مهاجران ارمنی خواستار «جنگ جدید برای مناطق جدید» شد.

نهادهای امنیتی ترکیه اظهارات تونویان را تحریک‌آمیز و همچنین به‌عنوان نشانه‌ای از عدم تمایل ارمنستان به سازش خواند. این امر موضع آنکارا را سخت‌تر کرد و آن را به سمت

1. Tovuz

2. Khankandi

3. Stepanakert

4. Davit Tonoyan

ارائه حمایت سیاسی و نظامی بیشتر از جمهوری آذربایجان سوق داد ( Yavuz And 112: 2020, Huseynov). بنابراین به‌طور فزاینده‌ای آشکار بود که بن‌بست موجود تنها از طریق ابزار نظامی قابل حل است. هنگامی که جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در اواخر سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد، افزایش حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان ناشی از عدم مانور رهبری ارمنستان و بی‌اعتمادی ترکیه به پاشینیان بود. ارمنستان به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ترکیه مطرح شد و زمینه را برای حمایت نظامی و دیپلماتیک بی‌سابقه آنکارا از تلاش‌های جنگی باکو فراهم کرد (Coskun And Spicer, 2020: 6). تقویت هرچه بیشتر منافع ترکیه در امتداد مرزهای شمالی ایران در ژوئن ۲۰۲۱ با امضای قراردادی موسوم به "اعلامیه شوشا" در مراسمی در شوشا توسط الهام علی‌اف و اردوغان همتای ترکیه‌ای وی صورت گرفت. در این سند آمده است که حمله به هر یک از کشورها حمله به هر دو طرف تلقی می‌شود. در این اعلامیه همکاری در عرصه بین‌المللی و همچنین همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، آموزشی، ورزشی، جوانان، امنیت انرژی و نظامی مورد بحث قرار گرفته است. جمهوری آذربایجان و ترکیه اکنون رسماً متحد هستند. اگرچه این پویایی اتحاد خیلی قبل از صدور بیانیه شوشا به خوبی آشکار بود؛ با این حال، این سند نشان‌دهنده یک تغییر بزرگ در دیپلماسی جمهوری آذربایجان است. از این پس، جمهوری آذربایجان در برابر سیاست خارجی چندجانبه‌ای که این کشور به آن شهرت داشته، بین نفوذ ترکیه و روسیه تعادل برقرار می‌کند (Avdaliani, 2022: 147).

روابط آنکارا و باکو در سال‌های اخیر نه تنها به نزدیک شدن اقتصادی و فرهنگی؛ بلکه به همکاری‌های نظامی نیز منجر شده است. با توجه به الحاق کریمه به روسیه، دولت ترکیه از تلاش‌های مسکو برای تغییر موازنه نظامی در دریای سیاه به نفع خود انتقاد می‌کند. ترکیه جاه‌طلبی خود را برای تبدیل شدن به یک قدرت تأثیرگذار در قفقاز جنوبی و همچنین در دریای خزر و در صورت امکان آسیای مرکزی از طریق مشارکت غیرمستقیم خود در مناقشه قره‌باغ نشان داده است. تقاضای گاز طبیعی ترکیه در حال رشد است و این کشور به‌طور قابل توجهی به گاز وارداتی از روسیه، ایران و اخیراً (2019-2020) جمهوری آذربایجان به‌عنوان تأمین‌کنندگان اصلی متکی است. تقویت روابط با جمهوری آذربایجان که به دلیل کمک‌های نظامی بیشتر به ترکیه متکی شده است و همچنین پیوندهای قوی‌تر با جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکیه را قادر می‌سازد تا واردات خود را متنوع کند و کمتر به روسیه و ایران وابسته شود. توافق سه‌جانبه‌ای که در سال ۲۰۲۱ توسط ترکیه، جمهوری



آذربایجان و ترکمنستان برای توسعه مشترک میدان گازی دوستلوق<sup>۱</sup> (دوستی) در زیر دریای خزر انجام شد؛ نمونه بارزی از تنوع‌بخشی است. این موضوعی است که در آن منافع روسیه و ایران در مقابل جاه‌طلبی‌های ترکیه قرار می‌گیرد؛ زیرا هر دو ترکمنستان را به‌عنوان یک رقیب در بازار گاز اروپا می‌بینند (Hayrapetyan, 2022: 89-90). بدین ترتیب، ترکیه در تلاش است تا با گسترش حضور در بازار انرژی منطقه، ضمن تنوع‌بخشی به انرژی وارداتی خود، نقش به‌سزایی در ترانزیت انرژی و خطوط انتقال نفت و گاز به اروپا ایفاء نماید.

ترکیه نقش کلیدی در قفقاز جنوبی ایفاء می‌کند و بدین خاطر اقدامات آن بر روند صلح قره‌باغ تأثیر می‌گذارد. نقش‌آفرینی آنکارا در خط لوله باکو-تفلیس-جبهان تنش‌های منطقه-ای را به دلیل انزوای ارمنستان عمیق‌تر می‌کند. روابط ترکیه و ارمنستان یکی از عوامل کلیدی و تأثیرگذار بر فرآیند صلح است. روابط ضعیف باکو با ارمنستان بر سر کشتارهای ۱۹۱۵ همراه با حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان، مانع از هر گونه بهبود روابط بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌شود. علاوه بر این، نقض حقوق بشر توسط ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ به‌طور نمادین با جنگ قره‌باغ در ذهن بسیاری از آرامنه پیوند خورده است. تا زمانی که روابط ارمنستان و ترکیه بهبود پیدا نکنند؛ بعید است که تنش‌ها بر سر قره‌باغ کاهش یابد (Sienrukos, 2006: 60-61).

اگرچه ترکیه و جمهوری آذربایجان روابط خود را در قالب "یک ملت با دو دولت" توصیف می‌کنند، با وجود این باید در نظر داشت که این الزامات اقتصادی و ژئوپلیتیکی است که ترکیه را وادار به حمایت از جمهوری آذربایجان می‌کند و وابستگی متقابل اقتصادی آن‌ها نیز نقش مهمی در توسعه این روابط ایفاء کرده است؛ خطوط لوله بزرگ نفت و گاز جمهوری آذربایجان از ترکیه عبور می‌کند که از آن‌ها هزینه دریافت می‌کند؛ دو کشور خط آهن باکو-تفلیس-قارص و دو خط لوله را برای یکپارچه‌سازی اقتصادهای خود ساختند و؛ جمهوری آذربایجان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در بخش انرژی ترکیه است. شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان موسوم به سوکار<sup>۲</sup> صاحب بزرگ‌ترین پالایشگاه‌ها در ازمیر است. حجم تجارت بین دو کشور نزدیک به ۵ میلیارد دلار است و احتمالاً تا سال ۲۰۲۴ به ۱۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. با وابستگی ترکیه به نفت و گاز جمهوری آذربایجان، سیاست خارجی این کشور این واقعیت‌ها را منعکس خواهد کرد (Yavuz And Gunter, 2022: 289-290). ترکیه هدف خود را گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی در قفقاز که از زمان امپراطوری عثمانی نزدیک به

<sup>۱</sup>. Dostlug

<sup>۲</sup>. SOCAR

۲۰۰ سال پیش از دست داده است؛ می‌داند. پیروزی نظامی جمهوری آذربایجان در قره‌باغ کوهستانی چشم‌انداز جدیدی را برای ترکیه در قفقاز جنوبی باز کرده است. با موافقت طرف روسی، یگان نظامی تجسسی ترکیه در مناطقی که جمهوری آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ تصرف کرده بود؛ مستقر شد. استقرار واحد نظامی این کشور در قلمروی جمهوری شوروی سابق یک پیشرفت ژئوپلیتیکی بی‌سابقه برای ترکیه بود. پس از جنگ دوم قره‌باغ، ترکیه شروع به موضع‌گیری خود به‌عنوان یک قدرت بدون جانشین کرد ( Voskanyan, 2022: 152).

#### ۴. تأثیر بحران قره‌باغ بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در دوران حیات اتحاد جماهیر شوروی، همواره مورد تهدید نظامی - ایدئولوژیک همسایه شمالی خود قرار داشت. با این حال، ماهیت این تهدید شناخته شده بود و در آن دوره طرفین به‌نوعی توافق بر سر همزیستی مسالمت‌آمیز دست یافته بودند و اگرچه روابط سردی بین دو کشور حاکم بود؛ ولی خطر بروز جنگ وجود نداشت. اما خطرات و تحولاتی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در مرزهای ایران بروز نمود، به‌مراتب جدی‌تر از گذشته هستند و توانایی تأثیرگذاری مستقیم بر امنیت ملی ایران را دارند. عواملی از جمله مداخله نیروهای خارجی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و همچنین منازعات داخلی این حوزه از سوی دیگر، می‌تواند موجب تهدیداتی از جمله تهدید نظامی و نیز تهدیدات قومی - گروهی برای امنیت ملی ایران باشد. اگرچه جنگ داخلی تاجیکستان موجب تهدید نظامی ایران نشد؛ اما جنگ ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر قره‌باغ، تهدید نظامی مهمی برای ایران است؛ به‌طوری که این جنگ در سال ۱۹۹۳ میلادی تا آستانه تسری به مرزهای شمالی ایران پیش رفت (غفاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶).

بحران قره‌باغ به‌طور بالقوه دو پیامد متضاد سیاسی - امنیتی را برای ایران به همراه دارد: این بحران از یک‌سو، می‌تواند تهدید امنیت ملی و حتی در شرایط حادثتر، تهدید تمامیت ارضی ایران باشد. در واقع، ایران از این نگران است که نقض تمامیت ارضی یک کشور در هر گوشه‌ای از جهان به بهانه حق تعیین سرنوشت مستمسکی برای نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نیز به حساب آید (ولیعقلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۶). یکی از نگرانی‌های اصلی ایران این است که مشارکت نظامی ترکیه در منطقه حضور ناتو را در امتداد مرزهای این کشور افزایش دهد. تهران به همان اندازه نگران ظهور احساسات جدایی‌طلبانه فزاینده در مرزهای خود

است که اردوغان، با خواندن شعر در مورد رود ارس، احساسات ملی‌گرایانه آذری زبان‌های ایران را برانگیخت.

یکی از دیگر موضوعات مهم درگیری ۲۰۲۰ قره‌باغ که آن را از نبردهای پیشین در این منطقه متمایز می‌کند، حضور نیروها و گروه‌های تروریستی معارض سوری در این منطقه بود. اخبار حاکی از آن بود که شماری از نیروهای ارتش آزاد سوریه و ترکمن‌های معارض سوری به قره‌باغ منتقل شدند که این یک تهدید آشکار برای امنیت ملی ایران به حساب می‌آید (محمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۰-۱۷۹). تجارب دو دهه بحران در قره‌باغ نیز گویای آن است که این بحران به‌عنوان کانال مناسبی برای حضور سیاسی-امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. در همین ارتباط، مهم‌ترین نگرانی امنیتی ایران از سوی این بحران اتحاد موجود در قفقاز جنوبی با مشارکت جمهوری آذربایجان، آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه است. علت این مسئله آن است که جمهوری آذربایجان بیش از سایر جمهوری‌های قفقاز جنوبی خواستار همکاری با آمریکا و استقرار ساختارهای جدید نظامی با کمک آمریکا در منطقه است. در واقع، آمریکا با حضور نظامی خود در منطقه در کنار حضور اقتصادی و سیاسی، در پی تکمیل حلقه محاصره پیرامون ایران است تا بدین وسیله از حضور تهران در ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه جلوگیری کند (ولیعقلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۶) که این امر می‌تواند به انزوا و حذف جمهوری اسلامی از معادلات منطقه و افزایش تهدیدات امنیتی آن در مرزهای شمال غربی کمک کند. از سوی دیگر، دولت‌مردان جمهوری آذربایجان، نزدیکی به رژیم صهیونیستی را در راستای برخورداری از حمایت غرب، افزایش قدرت در منطقه و برخورداری از حمایت‌های مالی رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌کنند. از این‌رو، ایران حضور رژیم صهیونیستی در مرزهایش را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند و به‌شدت نگران رشد همکاری‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان است.

در فوریه ۲۰۱۲ میلادی ایران و جمهوری آذربایجان یکدیگر را به حمایت از فعالیت‌های تروریستی در خاک یکدیگر متهم کردند. ایران حکومت جمهوری آذربایجان را به نقش داشتن در ترور دانشمندان هسته‌ای خود در همکاری با آژانس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی متهم کرد. بنابراین رژیم صهیونیستی که ایران را تهدیدی جدی برای خود می‌داند؛ به یک راهبرد دیپلماسی فعال برای محاصره ایران در منطقه دست زده است. در این راستا، جمهوری آذربایجان با موقعیت راهبردی در امتداد مرزهای شمالی ایران، بخش مهمی از برنامه سیاست

خارجی رژیم صهیونیستی را بازی می‌کند. این نقش به‌ویژه در راستای استفاده از مرزهای جمهوری آذربایجان با ایران برای استقرار سیستم‌های شنود و جاسوسی از درون ایران بوده است. بر اساس اسناد ویکی‌لیکس که در آوریل ۲۰۱۱ میلادی فاش شد؛ از قلمروی جمهوری آذربایجان به‌وسیله رژیم صهیونیستی برای جاسوسی و حتی حملات هوایی علیه ایران استفاده شده است (کرم‌زادی و خوانساری‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۸۳). تحقق احتمالی دالان جعلی زنگزور، ضربه‌ای راهبردی برای ایران خواهد بود. تهران نه‌تنها با خطرات از دست دادن بسیاری از مزایای عبور ترانزیتی در ارتباط با ارمنستان، گرجستان و روسیه مواجه می‌شود؛ بلکه نقش آن در دالان شمال- جنوب تضعیف می‌شود و جریان سودآور کالاها از ترکیه به آسیای میانه را نیز از دست می‌دهد. آتا سرداروف<sup>۱</sup>، سفیر ترکمنستان در ترکیه، تأکید کرد که مسیر ترانس کاسپین می‌تواند تمام تجارت ترکیه به آسیای مرکزی را بدون عبور از ایران انجام دهد. برگزاری رزمایش فاتحان خیبر در تابستان ۲۰۲۱ در نواحی مرزی شمال غرب ایران با جمهوری آذربایجان، گویای درک ایران از تهدیدات دالان جعلی زنگزور است که مهم‌ترین بُعد آن محصورسازی دسترسی ایران به اروپا و وابسته شدن این مسیر ارتباطی به جمهوری آذربایجان و ترکیه است (امیری و کاظمی، ۱۴۰۰: ۴۸).

### نتیجه‌گیری

منطقه قره‌باغ به دلیل شرایط خاص تاریخی، جغرافیایی و راهبردی برای دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان اهمیت ویژه‌ای دارد. وقوع درگیری‌ها در این منطقه پس از سال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، به یک معضل اساسی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شده است و هر دو کشور مبارزه‌های مسلحانه گوناگونی بر سر این منطقه داشته‌اند. فروپاشی شوروی به ایران فرصتی داد تا پیوندهای تاریخی خود را با کشورهای قفقاز جنوبی احیاء کند و بر منطقه تأثیر بگذارد. هر چند ایران با کشورهای قفقاز جنوبی دارای پیوندهای تاریخی، فرهنگی و قومی مشترکی هستند؛ اما علی‌رغم این پیوستگی‌ها رابطه طرفین به‌ویژه با جمهوری آذربایجان که دارای اشتراکات مذهبی نیز می‌باشند؛ فراز و نشیب‌های متعددی داشته است.

روابط تهران و باکو در اغلب موارد تحت تأثیر رابطه استراتژیک جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و غرب و اختلافات دو کشور در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر بوده و

<sup>۱</sup>. Ata Sardarov

همین امر مانع گسترش روابط تهران و باکو گردیده است. جمهوری آذربایجان در صدد ایجاد یک مسیر زمینی از طریق خاک ارمنستان برای اتصال سرزمین اصلی خود به جمهوری خودمختار نخجوان با عنوان کریدور زنگزور است. اگر مسیر جنوبی زنگزور از راه استان ارمنی سیونیک راه‌اندازی شود؛ ترکیه به شکل مستقیم از راه خاک باکو و بدون نیاز به گرجستان می‌تواند به دریای خزر راه پیدا کند و از آنجا به آسیای مرکزی دسترسی خواهد داشت. با عملیاتی شدن راه‌گذر ترکیه-نخجوان-باکو، آنکارا به بازیگر مطلوب در آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل خواهد شد و تحقق چنین سناریویی هرچه بیشتر ایران را در معادلات در حال تغییر مسیرهای ترانزیتی در منطقه به حاشیه می‌راند. مقامات تهران اذعان دارند که چنین اقدامی باعث قطع ارتباط مرزهای زمینی ایران و ارمنستان می‌شود و ژئوپلیتیک منطقه را به شکل چشمگیری تغییر می‌دهد. در این رابطه، ایران رسماً مخالفت خود را با ایجاد چنین کریدوری اعلام کرده است و با انجام رزمایش‌هایی در نوار مرزی شمال غرب کشور، عملاً نشان داده که در صورت اقدام نظامی جمهوری آذربایجان علیه ارمنستان، امکان استفاده از زور از سوی ایران نیز وجود دارد. ایران همواره خواستار سطحی از آرامش و ثبات در قفقاز جنوبی بوده است و بر ابتکارهای بومی برای حل و فصل منازعه قره‌باغ تأکید دارد. به‌رغم آتش‌بس در قره‌باغ، این دو کشور همواره در خطوط مرزی درگیری دارند و طرفین یکدیگر را به نقض آتش‌بس و تیراندازی به مواضع هم متهم می‌کنند.

اولویت‌های امنیتی تهران جلوگیری از حمله جمهوری آذربایجان به جنوب ارمنستان و تسخیر مرزهای این کشور با ایران است. از همین‌رو، رایزنی‌های مستقیم میان ایروان و باکو در خصوص منطقه قره‌باغ کوهستانی و ایجاد خطوط ارتباطی و مرزی بدون دخالت بازیگران خارجی و اروپایی و ناتو از جمله اولویت‌های جمهوری اسلامی است. مناقشه قره‌باغ، همانند همه مناقشات مرزی دیگر در اقصی نقاط جهان، عواقب و پیامدهای گسترده‌ای را برای دیگر کشورهای واقع در این منطقه به همراه داشته است که در این میان، جمهوری اسلامی ایران به دلایل گوناگونی نظیر مجاورت جغرافیایی با منطقه قره‌باغ و هر یک از طرفین درگیری، میراث تاریخی مشترک، وجود قومیت‌ها و نژادهای یکسان، تلاش کشورهای قدرتمند برای کسب نفوذ در منطقه و نظایر آن همواره در معرض تهدیدات برخاسته از این مناقشه قرار گرفته و این امر چشم‌انداز صلح و ثبات منطقه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران در مناطق شمال غربی آن خدشه‌دار کرده است.

از دیدگاه اکثر تحلیل‌گران، رژیم صهیونیستی با ایجاد روابط نزدیک با جمهوری آذربایجان به دنبال این است که در سراسر مرزهای ایران جای پای خود را باز کند و از این طریق به اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود دست پیدا کند که این امر ضمن تهدیدی ژئوپلیتیکی برای ایران در مرزهای شمالی خود، به‌طور فزاینده‌ای امنیت و نظم منطقه‌ای را در قفقاز جنوبی شکننده خواهد کرد. ترکیه نیز از بازیگران مهم و تأثیرگذار در بحران قره‌باغ محسوب می‌شود. روابط این کشور با جمهوری آذربایجان در منطقه در نوع خود ویژه و منحصر به فرد است و سال‌ها است که این دو کشور اراده لازم برای ترسیم و پیاده کردن یک رابطه کاملاً صمیمی و در حد استراتژیک را از خود نشان داده‌اند. آنچه آنکارا را به ائتلاف با جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان کشانده است؛ می‌توان به افزایش قدرت نسبی ترکیه از طریق تغییر وضعیت در مناقشه دیرینه قره‌باغ، سیاست تقویت پیوندهای این کشور با جمهوری آذربایجان بر اساس عوامل جغرافیایی، دستیابی بیشتر ترکیه به منابع انرژی، تقویت عنصر هویت‌طلبی قومی و افزایش توان بازیگری و چانه‌زنی آنکارا در محیط بین‌المللی اشاره نمود. ترکیه به دنبال ارتقای وزن سیاسی و نظامی جمهوری آذربایجان به‌منظور پیشبرد سیاست رقابت منطقه‌ای آنکارا در دستیابی به کانال ارتباط زمینی با حوزه جغرافیایی کشورهای ترک‌تبار است. وضع مطلوب برای ترکیه و جمهوری آذربایجان، گشایش دالان ارتباطی بین نخجوان با خاک اصلی جمهوری آذربایجان از طریق ارمنستان موسوم به زنگزور است که این تغییر ژئوپلیتیکی منجر به تنگناهای جغرافیایی برای ایران در مناطق شمالی خود خواهد شد. بنابراین انجام رزمایش‌های مکرر میان ترکیه و جمهوری آذربایجان و وارد کردن کشوری ثالث چون پاکستان به این رزمایش‌ها، برنامه‌ای هدفمند تلقی می‌گردد و ممکن است در آینده به ورود کشورهای حوزه نزدیک در آسیای مرکزی به چنین رزمایش‌ها و یا راهبرد نظامی بینجامد. با توجه به چنین تهدیدهایی است که تهران تحرکات منطقه‌ای با هدف هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در مرزهای بین‌المللی را پذیرفتنی نمی‌داند و یک پیام رزمایش فاتحان خیبر در تابستان ۲۰۲۱ در نواحی مرزی شمال غرب ایران پاسخی به تهدیدهای بالقوه در این رابطه بود.

## منابع و مآخذ

### فارسی

«احتمال حمله نظامی در شمال ایران بالا گرفت»، **مشرق نیوز**، ۲ فروردین ۱۴۰۲، آدرس اینترنتی:

<https://www.mashreghnews.ir/news/1143557/>

امیری، علی و حمد کاظمی (۱۴۰۰)، «جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قراباغ: اهداف و پیامدهای ژئوپلیتیکی (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، سال ششم، شماره اول، ۲۹-۵۷

بزرگمهری، مجید و سید مهدی طباطبایی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۳۱، شماره ۲، صص ۱۵۰-۱۰۹

تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ابعاد و سطوح مداخله در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۶، شماره ۶۹، صص ۱-۲۴

حاجزگرباشی، سید روح‌الله و مرتضی شکری (۱۴۰۱)، «ژئوپلیتیک در حال تغییر آسیای مرکزی و قفقاز؛ جایگاه ایران در آینده توازن منطقه‌ای»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۱۱، شماره ۷۱، صص ۱۴۴-۱۲۳

خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، «روسیه و مناقشه قره‌باغ»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۴، شماره ۱۰۲، صص ۹۷-۱۲۳

درج، حمید و سید داود آقایی (۱۳۹۶)، «جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۶۸-۳۹

درج، حمید و کاظم نورانی‌بنام (۱۴۰۱)، «تلاش راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای حذف داعش از معادلات عراق و سوریه»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۵۴، شماره ۱، صص ۶۷-۹۳

رجبی، محمد و هادی رجبی (۱۴۰۰)، «تهدیدات مناقشه قره‌باغ بر امنیت مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم و فنون مرزی**، دوره دهم، شماره ۲، صص ۲۳۴-۲۰۳

سنایی، مهدی و خلیل کرمی (۱۳۹۱)، «بررسی و مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در قفقاز جنوبی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۸، شماره ۷۹، صص ۸۱-۴۹

عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و حسین معین‌آبادی بیدگلی و مهدیه دوست حسینی (۱۴۰۰)، «تحلیل سازه‌انگارانهٔ چرخش در سیاست خارجی ایران در برابر بحران قره‌باغ (۲۰۲۰)»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۴۶-۲۲۵

غفاری، امید و امیدعلی ویسی‌نژاد و محمد تقی‌پور (۱۳۹۱)، «مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران»، **فصلنامه امنیت پژوهی**، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۱۱۲-۹۱

فتحی، فرحناز (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نوواقع‌گرایی»، **فصلنامه بین‌المللی قانون یار**، دوره چهارم، شماره پانزدهم، صص ۸۵۳-۸۲۳

فلاحی، احسان و سعید وثوقی (۱۳۹۹)، «جایگاه نوین ترکیه در ژئوپلیتیک خطوط لوله انرژی در قفقاز جنوبی و پیامدهای منطقه‌ای برای ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۸۶-۶۰

کاکایی، سیامک و سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۰)، «سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال بیست و هفتم، شماره ۱۱۵، صص ۱۲۲-۹۷  
 کرم‌زادی، مسلم و فهیمه خوانساری‌فرد (۱۳۹۶)، «تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن (از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴)»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۸۸-۱۷۱

گل‌محمدی، ولی و حمیدرضا عزیزی (۱۴۰۱)، «جایگاه قفقاز جنوبی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۳۰۵-۲۸۱  
 محمدی، سبحان و ابومحمد عسگرخانی و محمدباقر مکرمی‌پور و صالح ویسی (۱۴۰۰)، «تحلیل اقدام نظامی جمهوری آذربایجان در قبال مسئله نوگورنو قره‌باغ و جمهوری آرتساخ و همچنین بررسی اجمالی مواضع جمهوری اسلامی ایران (جنگ سپتامبر ۲۰۲۰)»، **فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی**، سال بیستم، شماره ۹۲، صص ۱۸۷-۱۵۵  
 محموداوغلی، رضا و مرتضی ابراهیمی و حسین فتاحی اردکانی (۱۴۰۱)، «جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال سی و یکم، شماره صد و نوزدهم، صص ۱۰۳-۶۸

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، صص ۳۸۵-۱

نجفی‌سیار، رحمان و حامد ابراهیمی (۱۴۰۰)، «آثار و پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۵۳۲-۴۹۹

ولیعقلی‌زاده، علی (۱۳۹۵)، «تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوهای مختلف رفتاری در بحران قره‌باغ»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۱۲۰-۸۵  
 یزدانی، عنایت‌اله و مصطفی خیری (۱۳۹۶)، «رویکرد سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز با تأکید بر جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۳، شماره ۹۸، صص ۱۵۲-۱۲۷

## لاتین

Aref, Peiman (October 5, 2021), "New geopolitical equations in the Caucasus," **Euro News**, Available at: <https://bit.ly/3FL8WVp>.



- Avdaliani, Emil (March 26, 2020), "Turkey to seek larger role in the black Sea and the south Caucasus", **Caucasus Watch**, Available at: <https://caucasuswatch.de/news/2551>. Html
- Avdaliani, Emil (February 26, 2020a), Iran in the South Caucasus: Adjustment and Evolution, **RUSI**, Available at: <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/iran-south-caucasus-adjustment-and-evolution>
- Avdaliani, Emil (2022), **New World Order and Small Regions' The Case of South Caucasus**, Palgrave Macmillan, PP. 1-248
- Caspersen, Nina (2012), **Unrecognized States the Struggle for Sovereignty in the Modern International System**, Polity Press, 4 (3), 37-49
- Coskun, Orhan And Jonathan Spicer(October 7, 2020), "In Nagorno-Karabakh conflict, Erdogan eyes Turkey's 'place in world order'", **Reuters**, Available at: <https://www.reuters.com/article/armenia-azerbaijan-erdogan-analysis-int-idUSKBN26S0HZ>
- Council Foreign Relation** (2018), "Nagorno-Karabakh Conflict", Available at: [https://www.cfr.org/interactives/global-conflict-tracker?cid=ppc-Google-grant-conflict\\_tracker-031116&gclid=CJi2h-FUgq0wodchoDXw#!/conflict/nagorno-karabakh-conflict](https://www.cfr.org/interactives/global-conflict-tracker?cid=ppc-Google-grant-conflict_tracker-031116&gclid=CJi2h-FUgq0wodchoDXw#!/conflict/nagorno-karabakh-conflict), Accessed on: 6/5/20
- Dovich, Mark (May 22, 2023), "Pashinyan says Armenia ready to recognize Nagorno-Karabakh as part of Azerbaijan", **Civilnet**, Available at: <https://www.civilnet.am/en/news/700829/pashinyan-says-armenia-ready-to-recognize-nagorno-karabakh-as-part-of-azerbaijan/>
- Ebru Sengul Cevrioglu (December 15, 2020), "Turkey, Azerbaijan sign MoU to supply gas to Nakhchivan", **Anadolu Agency**, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/energy/energy-diplomacy/turkey-azerbaijan-sign-mou-to-supply-gas-to-nakhchivan/32323>
- Frahm, Ole and Katharina Hoffmann and Dirk Lehmkuhl (2018), **Turkey and the Eastern Partnership: Turkey's Foreign Policy Towards its Post-Soviet Black Sea Neighbourhood**, EU-STRAT, No. 13, pp. 1-47
- France 42**(October 2, 2020) Macron reprimands Turkey, accuses Erdogan of sending 'jihadists' to Azerbaijan, Available at: <https://www.france02.com/en/02022220-macron-reprimands-turkeyaccusing-erdogan-of-sending-jihadists-to-azerbaijan>
- Hanjing, Yue (2021), "Recent Tensions between Iran and Azerbaijan: Manifestations, Causes and Developments", **Scholars Journal of Arts, Humanities and Social Sciences**, 10(2), pp. 52-60
- Hayrapetyan, Lilit (2022), "The Nagorno-Karabakh war of 2020 and the change of the regional status quo", *Uniwersytet Adama Mickiewicza*, Vol. 5 No. 1, pp. 83-97
- Heiran-Nia, Javad and Mahmood Monshipouri (2023), "Raisi and Irants Foreign Policy Toward the South Caucasus", **The Journal of the Muslim World**, 113(1-2), pp. 120-139
- Isachenko, Daria (2020), "Turkey-Russia Partnership in the War over Nagorno-Karabakh", **German Institute for International and Security Affairs(SWP)**, Available at: [https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/0202C33\\_NagornoKarabakh.pdf](https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/0202C33_NagornoKarabakh.pdf)
- Johnson, Dominic and Bradley A. Thayer (2016), "The evolution of offensive realism: Survival under anarchy from the Pleistocene to the present", **The Journal of Politics and the life sciences**, 35(1), pp. 1-26

- Kirisci, Kemal and Andrew Moffatt (2015), "Turkey and the South Caucasus: An opportunity for soft regionalism?", **The Journal of Regional Security**, Vol. 6, No. 15, 67-89
- Koozegar Kalji, **Vali (2020)**, "Eight Principles of Iran's Foreign Policy Towards the Nagorno-Karabakh Conflict", **Valdai Discussion Club**, Available at: <https://valdaiclub.com/a/highlights/eight-principles-of-iran-s-foreign-policy/>
- Markedonov, Sergei (2020), "Can Russia Mediate New Clashes Between Armenia and Azerbaijan?", **Carnegie Moscow**, <https://carnegiemoscow.org/commentary/30322>
- Milani, Mohsen M. (2019), **The Making of Iran's Islamic Revolution**, New York, Taylor & Francis, pp. 1-268
- Neves, Goncalo (2018), "TAP Air Portugal: Cleared for Takeoff - A Case Study on the Turnaround Process over the 2016/2017 period", **Católica Lisbon School of Business & Economics**, Available at: [https://repositorio.ucp.pt/bitstream/10400.14/25536/1/Thesis\\_CaseStudy\\_TAP%20Air%20Portugal\\_pdfa.pdf](https://repositorio.ucp.pt/bitstream/10400.14/25536/1/Thesis_CaseStudy_TAP%20Air%20Portugal_pdfa.pdf)
- Papazian, Hrag (2023), "Turkey and 'Turks' in Postwar Armenia: Anxieties, Meanings, and Politics After the 2020 Karabakh War", **Taylor & Francis journals**, Vol. 4, No. 12, pp. 1-22
- Poghosyan, Benyamin (May 2, 2023), "Azerbaijani Checkpoint at the Berdzor Corridor: What's next?", **The Armenian weekly**, Available at: <https://armenianweekly.com/2023/05/02/azerbaijani-checkpoint-at-the-berdzor-corridor-whats-next/>
- Sienrukos, Hilary (2006), Oil, Democracy and the Globalization of the Nagorno-Karabakh conflict, Tufts University, pp. 1-93
- Suleymanov, Turan and Bahruz Babayev (2020), "Turkey's Commitment to Azerbaijan's Defense Shows the Limits of Ankara's Tilt to Moscow", **The Turkey Analyst**, Available at: <https://turkeyanalyst.org/publications/turkey-analyst-articles/item/651-turkey%E2%80%99s-commitment-to-azerbaijan%E2%80%99s-defense-shows-the-limits-of-ankara%E2%80%99s-tilt-to-moscow.html>
- TRT Haber (November 10, 2020), "Azerbaycan'ın Karabağ zaferi: İşte anlaşmanın maddeleri", Available at: <https://www.trthaber.com/haber/dunya/azerbaycanin-karabag-zaferi-iste-anlasmanin-maddeleri-529782.html>
- Vatankhah, Zeynab and Bahram Navazeni (2021), Turkey's Approach to the Nagorno-Karabakh Crisis (2003-2020), **The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World**, Vol.9, NO.36, pp.19-39
- Voskanyan, Harutyun (2022), "Regional competition on the Nagorno-Karabakh conflict", **The Journal of Wydawnictwa Uniwersytetu Warszawskiego**, Vol. 6, No. 1, pp. 145-160
- Winrow, Gareth M. (2017), "Turkey's energy policy in the Middle East and South Caucasus", **Journal of Russia and Eurasia Programme**, Vol. 7, No.14, pp. 97-117
- Yavuz, M. Hakan and Michael M. Gunter (2022), **The Nagorno-Karabakh Conflict' Historical and Political Perspectives**, Routledge, pp. 1-462
- Yavuz, M. Hakan and Vasif Huseynov (2020), "The Second Karabakh War: Russia vs. Turkey?", **The Journal of Middle East Policy**, 27(4), pp. 103-118
- Yermekbayev, Adilbek and Venera Khairullayeva, Venera Iztayeva, Bibazhar Zhuztayeva, Akmaral Doszhanova (2020), "Relations Between Turkey and Russia in the Context of Energy Partnership", **International Journal of Energy Economics and Policy**, 10(4), pp. 166-171

Yilmaz, Maide and Zeynep Ozdem Erturk (2017), “A Contrastive Corpus-based Analysis of the Use of Reporting Verbs by Native and Non-native ELT Researchers”, **Novitas-ROYAL (Research on Youth and Language)**, 11(2), pp. 112-127

Zakaria, Fareed (1998), **from wealth to power: The Unusual origins of America s world Role**. Princeton, Nj: Princeton UniVersity press.